

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

محمد شریف منصور و یادداشت پورتال
۲۶ اپریل ۲۰۲۲



شریف منصور

سرگذشت یک رئیس جمهور

(۹)

پاکسازی "کمونیست" ها

همانگونه که چپ گراها نقشه کشیده بودند که پس از سرنگونی سلطنت به وسیله محمد داوود خان، خود او را هم کنار بزنند و قدرت را به دست بگیرند، محمد داوود خان هم به "کمونیست" ها به چشم یک ابزار یک بار مصرف نگاه می کرد که برای سقوط سلطنت به کار برده شده بودند و حالا باید دور انداخته می شدند. از آنجا که محمد داوود خان هیچ گاه نظر خوبی در مورد "کمونیست" ها نداشت و آن ها را دست پروردگان اجانب می دانست همواره منتظر فرصتی بود که آنها را تصفیه کند. روابط داوود خان و رهبران "کمونیست" ها چه در دوران نخست وزیری و چه در دوران ریاست جمهوری همواره سرد و پرتشنج بود و محمد داوود خان به استثنای خیبر، هیچ گاه با دیگر رهبران این حزب روابط خوبی نداشت. اگرچه حسن شرق دیداری هائی میان محمد داوود و رهبران حزب خلق ترتیب داد اما این ملاقات ها نه تنها نتیجه مثبتی به بار نیاوردند بلکه همواره با ناراحتی محمد داوود خان پایان می یافتند:

«در ماه ثور ۱۳۵۲ [محمد داوود خان و] ببرک کارمل در خانه محمد داوود توسط نویسنده [با هم] ملاقات کردند. نتیجه ملاقات و گفتار ببرک کارمل به محمد داوود [گفت:]: «چون شما مطابق قانون اساسی حق فعالیت سیاسی ندارید اگر بخواهید می توانید از ۳ طریق استفاده نمائید .

۱_ یک روزنامه یا جریده به نام شخص دیگر امتیاز بگیرید و نظرات خود را به نشر برسانید تا زمینه فعالیت های سیاسی به شما میسر و مساعد گردد .

۲_ اگر امکان داشته باشد با اعلیحضرت راه مفاهمه را باز نمائید و بهترین راه خدمت گذاری به شما این خواهد بود که شما در صورت امکان نائب السلطنه شوید .

۳_ کودتا : روش مبارزه و ایدئولوژی ما با کودتا متضاد بوده و آن را یک عمل خائنانه و ضد منافع ملی می شماریم و هر کس به این راه اقدام کند ما طرف مقابل آن ها قرار خواهیم داشت.» محمد داوود که از توصیه های ببرک کارمل رنجیده خاطر شده بود تشکر نموده گفت «من هم به شما می گویم: اگر شما عقیده مارکسیزم را با قوه برچه داخلی و یا خارجی در مغز مردم افغانستان داخل نمودید به زنده ام تف و به مرده ام نفرین نمائید.»^۱

این بود ملاقات محمد داوود خان با ببرک کارمل یکی از رهبران جناح پرچم، طبعاً ملاقات با ترکی رهبر جناح تندروی خلق هم نمی توانست بهتر از این باشد، آقای حسن شرق در مورد این دیدار می نویسد:

«ترکی و چند نفر از دوستانش خصوصاً میر اکبر خیلی که همراه من هم صنف [هم کلاسی] بود در لیسه عسکری [مدرسه نظامی] آمدند که اگر ممکن باشد زمینه ملاقات همراه محمد داوود خان مطرح [مساعد] شود. من این کار را کردم و با ترکی یکجا رفتم. متأسفانه وقتی که من با ترکی رفتم، ترکی اولین سؤالی که از داوود خان پرسید این بود که «نظر شما درباره خداوند و دین اسلام چیست؟» داوود خان که این سؤال برایش غیر مترقبه بود گفت: «من به خداوند ایمان دارم و من یک مسلمان هستم.» [ترکی دوباره] از او پرسید که «درباره کسانی که به خداوند عقیده ندارند شما چه عقیده دارید؟» [داوود خان] گفت: «این یک مسأله شخصی است و نباید در صحبت های سیاسی مورد بحث قرار بگیرد.» [برای بار] سوم ترکی از او پرسید که «من از شما و حزب ما از شما بسیار متشکر است که شما دروازه های روسیه را به روی افغانستان باز کردید.» این حرف به مرحوم داوود خان بسیار برخورد و گفت که: «من هیچ وقت دروازه هیچ کشوری را بدون ایجاب منافع ملی وطن خود باز نکرده ام و ترکی ! به یاد شما باشد که بعد از من و بعد از دیگران و حتی هر وقتی که باشد دروازه های افغانستان به روی تمام کشورهای که صادقانه به افغانستان کمک کنند باز خواهد بود.» و اینجا داوود خان اعصابش بسیار خراب شد و بدون این که تکلیفی [=تعارفی] کند به جای و این طور چیزها از پیش شان رخصت شد و رفت.^۲

اما آقای عزیز نعیم برادر زاده محمد داوود خان می گوید که آنچه که در این ملاقات باعث خشم شدید محمد داوود خان شد بی احترامی تره کی به دین اسلام بود:

«مرحوم محمد داوود خان یک مسلمان راسخ و پاک عقیده بود. در سال های ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۳ میلادی هم ببرک کارمل و نیز نورمحمد ترکی از راه های مختلف آرزوی دیدار با محمد داوود خان را داشتند. بعد از چندین درخواست بالاخره به ترکی موقع دیدار داده شد. آنچنان که آن مرحوم به این نگارنده حکایت نمود، تره کی راجع به دین اعتراضاتی داشت و آن را عامل پس ماندگی جوامع می خواند. با شنیدن این گفتار [محمد داوود خان] آن شهید سعید بلاوقفه [بی درنگ] تره کی را مرخص نموده و گفت: «اگر در جهان هیچ مسلمانی نماند، من آخرین مسلمان خواهم بود.»^۳

^۱ _ کرباس پوش های برهنه پا، ج اول، ص ۱۰۷ و ۱۰۸

^۲ _ افغانستان در قرن بیستم، ۱۷۶ و ۱۷۷

^۳ _ قیام و جمهوریت ۲۶ سرطان ۱۳۵۲، ص ۳ و ۴

ژنرال عبدالقادر هم می گوید که محمد داوود خان کاملاً به اسلام معتقد بود:

«پس از هفت ثور، ما نتوانستیم هیچ چیزی که دلیلی بر انحراف داوود خان از مسائل اخلاقی افغانی و اسلامی باشد پیدا کنیم. در حالی که در خاندان سلطنتی چنین مسائلی رایج بود. در آلبوم ها هیچ عکسی از زن داوود خان حتا با سر برهنه نیافتیم. پس از کشته شدن داوود خان هر چه پالیدیم...»^۴

با وجود همه این ها پرچمی ها تا پیش از پاکسازی نظر خوبی نسبت به جمهوریت داشتند و از آن دفاع می کردند، ژنرال محمد نبی عظیمی می نویسد:

«[من] در ماه ثور سال ۱۳۵۳ در ترکیب هیأتی تحت ریاست حبیب الرحمن نیازی معاون پولیتکنیک کابل جهت توضیح اهداف و مرام بیانیه "خطاب به مردم" به شوروی رفتیم. در شوروی از چند شهر بزرگ مانند مسکو، لنینگراد، کیف و باکو دیدن نموده و با محصلان ملکی افغانی در آنجا ملاقات نمودیم. در رأس محصلان مربوط به حزب پرچم، محمود فریادی برادر ببرک کارمل قرار داشت. پرچمی ها از بیانیه های من با شور و حرارت استقبال می کردند اما سایر جریان های سیاسی خاموش بودند. نور احمد اعتمادی سفیر کبیر افغانی و سردار عبدالعظیم آتشه نظامی در مسکو به ما اظهار کردند که پرچمی ها از جمهوریت محمد داوود خان صادقانه دفاع می نمایند و با شعله ای ها و اخوانی ها بالای این مسأله همیشه در تصادم اند. در بازگشت، این موضوعات را به محمد داوود گزارش دادم اما بعداً معلوم شد که وی گزارش متذکره را دستوری از جانب کارمل دانسته و مرا هم در گروه پرچمی ها حساب کرده است.»^۵

جورج ارنی هم پشتیبانی پرچم از محمد داوود خان را تأیید می کند و می افزاید که جناح خلق در اوایل اخراج پرچمی ها را به پاکسازی کمونیست به حساب نیاورده و به رئیس جمهور پیشنهاد همکاری داده بود:

«داوود با گذشت زمان پشتیبانی جناح پرچم را از دست می داد، مگر پیش از آن که آنها علیه او اقدامی بتوانند، [داوود] با ادعای فساد و بی کفایتی آنها را از خود دور ساخت. در سال ۱۹۷۴ بین داوود و پرچمی ها فاصله زیادی ایجاد گردید و در همین اثنا جناح خلق به رئیس جمهور نامه ای فرستاد و به او پیشنهاد کرد تا پرچمی مفسد را با افراد آن جناح تعویض نماید مگر داوود که اکنون متکی به خود به نظر می رسید به پیشنهاد واقعی نگذاشت زیرا او نمی خواست چپی ها را به جای چپی های دیگر در کابینه خود جای دهد.»^۶

برگردیم به مسأله پاکسازی "کمونیست" ها. مخالفان کمونیسم در داخل و خارج کشور همواره رئیس جمهور را برای پاکسازی ادارات دولتی از "کمونیست" ها تحت فشار می گذاشتند. پس از رویارویی دولت با اعضای نهضت اسلامی برنامه پاکسازی دولت از چپ گرا ها آغاز شد، پاکسازی کابینه و قوای مسلح از "کمونیست" ها از ماه سپتمبر سال ۱۹۷۵ شروع شد و فیض محمد وزیر داخله، پاچاگل وفادار وزیر سرحدات و قبایل و عبدالحمید محتاط وزیر مخابرات از مقامات شان برکنار شدند. هر سه نفر آنها از افسرانی بودند که در کودتای سفید شرکت کرده بودند. پاچاگل و فیض محمد شخصاً در عملیات حمله به خانه سردار عبدالولی خان و دستگیری او حضور داشتند و آن را رهبری می کردند. کم کم نوبت به پاکسازی قوای مسلح هم رسید و صدها تن از افسرانی که در اتحاد شوروی تحصیل کرده بودند و یا اندیشه های چپ گرایانه داشتند از وظایف مهم شان کنار گذاشته شدند و یا به گونه توهین آمیزی به بخش های دیگری منتقل شدند، ویلهلم دیتل می نویسد:

۴- خاطرات سیاسی جنرال عبدالقادر ، ص ۲۱۷

۵- اردو و سیاست ، ص ۱۱۶

۶- افغانستان ، گذرگاه کشور گشایان ، ص ۷۰

«محمد داوود که تا آن زمان خط مسکو را دنبال می کرد، ناگهان و بدون مشورت با دوستان شوروی خود برنامه های تازه ای تدوین کرد. وی با وجودی که مقادیر قابل توجهی اسلحه از روس ها دریافت می کرد، موجبات قلع و قمع "کمونیست" ها و حداقل به عقب راندن آنها را از مواضعی که داشتند فراهم می آورد. عبدالقادر کسی که نمایندگی افسران متمایل به شوروی را بر عهده داشت، به ریاست کشتارگاه کابل منصوب شد (توهین بزرگی که به یک خلبان جنگجو روا داشته شد) همچنین داوود موفق شد که مستشاران شوروی را که در واحد های نظامی از گروهان تا تیپ مشغول خدمت بودند، پاکسازی کند. داوود با وجود اختلافات با پاکستان خود را به کشورهای چون عربستان سعودی - که حلال مشکلات مادی پاکستان بود- و پادشاهی ایران، و دولتمردان نفتی کویت نزدیک کرد. این سه کشور که از مخالفان درجه اول "کمونیست" ها به شمار می رفتند، امید داشتند تا فاصله ای بین حکومت افغانستان و سران کرملین به وجود آورند. داوود چنان میدان عمل پیدا کرد که در نظر داشت افسران افغان را برای گذراندن دوره هائی به کشور هند و مصر اعزام دارد.»^۷

ژنرال عبدالقادر می گوید که فشارهای داخلی و خارجی محمد داوود خان را مجبور کرد که "کمونیست" ها را پاکسازی کند:

«سیاستی که نعیم خان و داوود خان پیش گرفته بودند، سیاست چپ ستیزی بود. احتمالاً فشارهای داخلی و خارجی عامل آن سیاست بود و آن ها به این نتیجه رسیده بودند که چپی ها مشکل ساز می شوند. محتاط و پاچاگل وفادار نیز به دلیل چپی بودن، مورد تردید قرار گرفته بودند. در قانون اساسی زمان ظاهر خان آمده بود که کسانی که همسر خارجی دارند، حق کار در وزارت دفاع را ندارند. پاچاگل وفادار همسر روسی داشت و این هم بهانه خوبی برای راندن او شده بود. از طرفی داوود خان بر آن بود که پیش از زدن آن دو، آن ها را یک لنگه [بی پشتوانه] کند و بعداً آن ها را از صحنه دور کند. محتاط و پاچاگل وفادار هر دو از قوای هوایی برخاسته بودند. روابط نزدیک و تنگاتنگی با هوایی ها داشتند. بنابراین اول باید قومندان مدافعه هوایی را از صحنه دور می کردند و بعد از او، آن دو را. بر همین اساس بود که اول مرا به احتیاط سوق دادند و خانه نشین کردند. داوود خان پس از این که مرا خانه نشین کرد، «محتاط» را که وزیر مخابرات بود، هم برکنار کرد. «پاچاگل وفادار»، وزیر سرحدات، را هم سفیر افغانستان در بلغارستان تعیین کرد. پس از خانه نشین شدن، زیر کنترل وزارت داخله قرار داشتم. البته بعداً معلوم شد که آن کنترل و نظارت به امر داوود خان نبوده است.»^۸

ضربه دیگری که به چپ گراها وارد شد تعیین قدیر نورستانی یکی از مخالفان سرسخت "کمونیست" ها به عنوان وزیر داخله بود. رئیس جمهور اگرچه تعداد زیادی از چپ گراها را تصفیه کرد ولی نفوذ آنها به خصوص سازمان نظامی جناح های خلق و پرچم بسیار بیشتر از این حرف ها بود "کمونیست" ها در همه جا بودند، در نیروهای قوای هوایی و زمینی من جمله ارتش، پولیس و حتی در گارد ریاست جمهوری. ژنرال عبدالقادر معتقد است که برادر رئیس جمهور مبتکر این طرح بود و آنها اطلاعات لازم را با کمک افرادی که در وزارت دفاع و حتی در میان اعضای خانواده محمد داوود خان داشتند به دست می آوردند:

^۷ _ گذرگاه افغانستان ، ص ۴۸
^۸ _ خاطرات سیاسی جنرال عبدالقادر ، ص ۱۱۳ و ۱۱۴

«درک ما از اوضاع این بود که داوود خان تصمیم دارد آن عده از جوان های چپ گرایی را که در دستگاهش کار می کردند، از صحنه دور کند و نعیم خان مبتکر و عامل عمده این برنامه داوود خان بود. نعیم خان نسبت به امریکا و غرب سمپاتی داشت. همیشه از داوود خان انتقاد می کرد و می گفت این چپی هائی که تو آورده ای بالاخره فساد می کنند. ضد چپی ها بود. ما این اطلاعات را از طریق کسانی که در استخبارات وزارت دفاع کار می کردند به دست می آوردیم. عده ای از آن افراد توانسته بودند برای کسب اطلاعات وارد روابط خصوصی کارمندان ارشد نظام شوند. همانطور که گفتیم حتی یکی از آن ها از خانه شخص نعیم خان به ما گزارش می داد. این افراد در ظاهر طوری وانمود می کردند که به نفع داوود خان کار می کنند اما دو طرفه کار می کردند. بازی می کردند. [منبع اطلاعاتی ما] داماد نعیم خان، پسر شاه محمود خان بود. او آتش نظامی ما در مسکو بود. هیأت های شوروی را که به کابل می آمدند، همراهی می کرد. او در مسکو فوت کرد. جنازه اش را از مسکو آوردند. در مراسم فاتحه اش به نمایندگی از قوای هوایی نشسته بودم.»^۹

پاکسازی "کمونیست" ها برای اتحاد شوروی تکان دهنده بود. تعدادی از "کمونیست" های نزدیک به اتحاد جماهیر شوروی برکنار شده بودند و تعداد دیگری هم در آستانه برکناری بودند، نشست و برخاست های بقیه هم زیر نظر گرفته شده بود. اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از گام های بعدی محمد داوود خان هم مطلع بودند. به همین خاطر تصمیم گرفتند که پیام هشدار آمیزی به رئیس جمهور داوود بفرستند:

سند شماره ...

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پیرامون فرستادن پیام ها به محمد داوود رئیس جمهور افغانستان و رهبران سازمان های سیاسی خلق و پرچم

اطلاعات رسیده از افغانستان گواه برآنند که رهبران جمهوری در این اواخر آغاز به عملی نمودن تدبیرهایی در راستای سرکوب نیروهای مترقی کشور که تکاپوی خود را پس از کودتای دولتی جولای ۱۹۷۳ پویا تر ساخته اند، نموده اند. ضربه نخست بر نیروی هوایی که با تکنولوژی ساخت شوروی مجهز است و تأثیر این نیرو ها (پرچم و خلق) به ویژه بزرگ بود، وارد آورده شد. در نشست کمیته مرکزی جمهوری که به ریاست محمد داوود به تاریخ ۲۶ فبروری سال روان برگزار گردید درباره برکناری سرهنگ عبدالقادر از کرسی فرمانده نیروهای هوایی و پدافند هوایی افغانستان و سرهنگ دوم اکبر رئیس ستاد نیروی هوایی و پدافند هوایی که هر دو از اشتراک کنندگان فعال کودتا اند و در اتحاد شوروی آموزش دیده اند، تصمیم گرفته شد. اطلاعاتی در دست است درباره آن که پاچاگل وفادار وزیر امور مرزها، [محتاط_م] وزیر مخابرات و فیض محمد وزیر کشور بزودی از کرسی های خود برکنار خواهند شد. همه این وزیران اعضای سازمان های مترقی پرچم و خلق و دوستان کشور ما اند. فرمانده قوای مرکز به دستور رهبری جمهوری برای جلوگیری از رخنه اندیشه های پیشتاز در محیط ارتش، افسران را از برپائی ارتباط با "وزیران غیر نظامی" که زیر عنوان آن اعضای دارای تمایلات مترقی حکومت پنداشته می شود؛ منع نموده است. بر نشست و برخاست های افسران و رفتارهای آنها در اوقات غیر رسمی پنهانی مراقبت صورت می گیرد، به ویژه به خاطر تماس با کارشناسان نظامی شوروی. در کابل آوازه هائی درباره بازگشت کارمندان و افسرانی که با پسندهای هوادار شاهی خود شهرت داشتند و پس از کودتا برکنار شده بود، پیگیرانه پخش و

^۹ _ خاطرات سیاسی جنرال عبدالقادر، ص ۱۱۳

شنیده می شود. رئیس تازه گماشته شده ستاد فرماندهی نیروهای هوایی و پدافند هوایی یک افسر وظیفه دارای پسندهای ارتجاعی تحصیل یافته در ایالات متحده است. به باور آگاهان افغان محمد داوود اکنون منتظر واکنش اتحاد شوروی در قبال اقداماتش به ضد عناصر مترقی که نسبت به ما تمایلات دوستانه دارند، است. خاموشی ما در این زمینه می تواند از سوی او به گونه نادرست تعبیر و درک گردد و می تواند او را به اقدامات قاطعانه تری تشویق نماید. در رابطه با این سودمند پنداشته می شود تا:

الف: وزارت امور خارجه اتحاد شوروی از سوی برژنف لیونید ایلچ پیامی به محمد داوود با گوشزد نمودن به خاطر اتخاذ تدبیر های اختناق آمیز نسبت به نیروهای مترقی که تکیه گاه مطمئن رژیم جمهوری اند، بفرستد.

ب: کمیته امنیت دولتی شورای وزیران اتحاد شوروی از مجاری موجود در کابل در صورت امکان این اندیشه را به محمد داوود گوشزد نماید که او با سرکوب نیروهای چپی رژیم جمهوری را تضعیف می نماید و حریفان خود را که از طرح های احیای رژیم شاهی دست بردار نیستند، تحکیم می نماید.

پ: دفتر روابط بین المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پیامی به رهبران سازمان های مترقی پرچم (به ببرک کارمل) و خلق (به تره کی) با فراخوان بسیج تمام نیرو های خود برای حمایت از رژیم جمهوری، تبارز خویشتن داری و جلوگیری از اقداماتی که می توانند واکنش اختناق آمیز حکومت را برانگیزند، بفرستد.^{۱۰}

سند بعدی نشان می دهد که این پیام فرستاده شد و گویا نتایج مثبتی هم داشت: به تاریخ ۲۵ مارچ ۱۹۷۴ سفیر شوروی در کابل به محمد داوود رئیس دولت و نخست وزیر افغانستان پیام رهبران شوروی را رسانید که در آن به او در زمینه اجتناب از اختناق علیه عناصر مترقی یادآوری گردیده بود... پیام رهبران شوروی به محمد داوود نقش مثبتی را بازی نمود.^{۱۱}

یادداشت:

همان طوری که بارها نگاشته ایم، باند های "خلق و پرچم" را "کمونیست" نامیدن، گذشته از این که عدم اطلاع نویسنده را از مبانی و مفاهیم "کمونیسم" و عدم انطباق آن را با برنامه های باند های مزدور شوروی متوفا یعنی "خلق و پرچم" نشان می دهد، بلکه توهین و اهانت به خون هزاران جانباز کمونیستی است که در پیکار با این نوکران شوروی از خون خود گذشتند مگر از منافع مردم و حریت کشور شان نگذشتند. ایستاده مردند، مگر خمیده نزیستند.

اداره پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"

¹⁰ _ افغانستان در منگنه ژنوپلیتیک، ص ۱۳۸ تا ۱۴۰

¹¹ _ افغانستان در منگنه ژنوپلیتیک، ص ۱۴۴